

## «ویژه عید سعید فطر»

### عید سعید فطر روز بازگشت به فطرت

در فرهنگ اسلامی اولین روز ماه شوال، عید فطر و جشن بازگشت به فطرت معین شده است؛ زیرا مسلمانان روزه‌دار در طول ماه رمضان با ارتباط‌های پی در پی با خداوند متعال و استغفار از گناهان به تصفیه روح و جان خویش همت گماشته و از تمام آلودگی‌های ظاهری و باطنی که بر خلاف فطرت آنهاست، خود را پاک نموده و به فطرت واقعی خود برمی‌گردند. امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز از همین زاویه به عید فطر می‌نگرد و با اشاره به روز عید می‌فرماید:

«إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهَ مِنْهُ صِيَامَهُ، وَشَكَرَ قِيَامَهُ وَكُلُّ يَوْمٍ لَا تَعْصِي اللَّهَ فَهُوَ عِيدٌ»<sup>۱</sup>  
این عید کسی است که خدا روزه‌اش را پذیرفته و نماز او را ستوده است و هر روز که خدا نافرمانی نشود، آن روز عید است.

آری روز ترک گناه و فاصله‌گرفتن از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و روز غلبه بر شیاطین، روز عید است. عید فطر روز بازگشت به فطرت است. این معنا را می‌توان از لغت «عید فطر» هم فهمید؛ چرا که «عید» به معنای بازگشت و «فطر» به معنای «فطرت و طبیعت» است.

مسلمانان در این روز در اثر یک ماه ضیافت و مهمانی خداوند به صفای باطن دست یافته و در حقیقت، شخصیت واقعی خویش را بازیافته‌اند. آری، فطرت پاک انسان در طول سال در اثر غبارهای جهل و نادانی و غفلت به انواع گناهان و معصیت‌ها مبتلا شده و از حقیقت خود دور می‌شود و در نتیجه دچار خود فراموشی و خدا فراموشی می‌گردد؛ اما با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، انسان مسلمان در پرتو فضای معنوی آن ماه و تلاش‌های خویش به یک زندگی نوین دست می‌یابد که می‌توان آن را «بازگشت به خویشتن» نامید.

۱. نهج البلاغه؛ حکمت ۴۲۸.

در روز عید فطر گویی یک مسلمان از نو متولد می‌شود؛ چرا که طبق گفتار امیرمؤمنان علیه السلام، روزه‌داران در شب عید فطر از تمام آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک شده‌اند و کمترین پاداش خود را که پاکی و پاکیزگی است، دریافت نموده‌اند. آن حضرت چنین می‌فرماید:

«واعلموا عبادالله! ان ادنی ما للصائمين والصابئين ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان: ابشروا عبادالله! فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکنون فیما تستانفون»<sup>۱</sup> ای بندگان خدا! بدانید که کوچک‌ترین چیزی که برای مردان و زنان روزه‌دار است، این است که فرشته‌ای در روز آخر ما مبارک رمضان به آنها ندا می‌دهد: ای بندگان خدا! بشارت‌تان باد که [خداوند متعال] تمام گناهان گذشته شما را آمرزید؛ پس بنگرید که بعد از این چگونه عمل خواهید کرد».

شیخ مفید می‌نویسد:

«این که روز اول ماه شوال عید اهل ایمان قرار داده شده است، به دلیل این است که آنان برای قبولی اعمالشان در ماه رمضان خوشحالند و از اینکه خداوند متعال گناهانشان را بخشیده و بر عیب‌های آنان پرده کشیده و مژده و بشارت از طرف خداوند رسیده است که ثواب‌های بسیاری برای روزه‌داران عطا خواهد کرد و از اینکه مؤمنین در اثر تلاش‌های شب و روز ماه مبارک رمضان چند مرحله به قرب الهی نزدیک شده‌اند، حالت سرور و نشاط دارند. در این روز غسل معین شده و این علامت پاکی از گناهان می‌باشد. عطر زدن و بوی خوش استعمال کردن و لباس زیبا و تمیز پوشیدن و به صحرا رفتن و زیر آسمان نماز خواندن همه‌اش علامت شادی و سرور و از روی حکمت می‌باشد»<sup>۲</sup>.

### مراتب روزه‌داران در عید فطر

بدون تردید تک‌تک مسلمانان با فرا رسیدن عید سعید فطر نوعی شادی و لذت درونی در خود احساس می‌کنند؛ اما استقبال مسلمانان از روز عید فطر یکنواخت و مساوی نیست؛ زیرا هر کسی نسبت به معرفت و ایمان خود به این عید بزرگ و با عظمت می‌نگرد و از آن بهره می‌گیرد. زمینه‌ها، ذهنیت‌ها، مراتب ایمان و عوامل دیگری در نگرش و انگیزه افراد دخالت دارد.

۱. /مالی صدوق؛ ص ۱۰۰.

۲. مسار الشیعة؛ ص ۳۰.

به همین دلیل عارف واصل میرزا جواد آقا ملکی تبریزی روزه‌دارانی را که به عید سعید فطر وارد می‌شوند، به پنج گروه تقسیم می‌کند و نوع نگرش آنان را نسبت به این روز با عظمت توضیح می‌دهد. ایشان در مورد پایین‌ترین مراتب استقبال‌کنندگان از عید فطر می‌نویسد:

گروهی از روزه‌داران حقیقت روزه را نشناخته‌اند و با زحمت و تکلف از خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات خودداری می‌کنند و این را نوعی طاعت می‌شمارند و خود را منت‌دار خداوند می‌دانند؛ آنان از اعضاء و جوارح خود مراقبت نکرده و با دروغ، غیبت، بهتان، افترا و دشنام به آزار دیگران پرداخته و زحمات خود را هدر می‌کنند و در نزد خدای عالمیان منزلتی ندارند، مگر اینکه حضورشان در روز عید برای حسن ظن به عنایت خدای بزرگ باشد و در نمازگاه خود در روز عید فطر از گناهان استغفار نموده و طلب آمرزش کنند.

وی عالی‌ترین مرتبه استقبال‌کنندگان از عید فطر را از آن روزه‌داران عارفی می‌داند که لذت ندای خدای «جل جلاله»، رنج گرسنگی و تشنگی و شب‌زنده‌داری را از یاد آنان برده و با شوق و شکر؛ بلکه با وجد آن را پیشواز نموده، در سرعت سیر و سلوک و پیشروی به سوی خیر، جدیت به خرج داده و از عمق جان به ندای رب الارباب لبیک گفته‌اند.

خداوند متعال اعمال را از این گروه به حسن قبول می‌پذیرد و آنها را به مقام قرب نزدیک می‌نماید و در پیشگاه صدق در جوار خود با اولیاء و اصفیاء می‌نشانند و از «جام اوفی» به آنها می‌چشانند و به مقام «او ادنی» می‌رسانند.<sup>۱</sup>

آری، در حقیقت در سحرگاه عید فطر اولیاء الهی با حضرت حق چنین نجوا دارند:

|                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ای عید عاشقان به حقیقت جمال تو | هر لحظه عیدیی رسدم از وصال تو |
| عید کسان غره شوال و عید من     | آن ساعتی بود که ببینم جمال تو |

### حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی

در باره ابعاد اقتصادی و اجتماعی عید فطر می‌توان به پرداخت زکات فطره با عنوان عاملی ارزشمند برای فقرزدایی، توسعه اقتصادی و حل مشکلات اجتماعی در جامعه اسلامی اشاره نمود. افزون بر اینکه در کنار کمک به فقرا، موارد مصرف دیگری نیز برای زکات فطره در اسلام منظور شده است که از جمله آنها احیای روحیه همیاری و تعاون، رسیدگی به وضع بهداشتی، درمانی و فرهنگی مسلمانان می‌باشد، از زکات فطره

۱. برگرفته از المراقبات، ص ۳۳۴.

می توان قرض بدهکاران حقیقی و افرادی را که در راه معصیت و خلاف بدهکار نشده‌اند، پرداخت نمود. در ساختن مسجد، مدرسه، پل‌ها، راه‌ها، بیمارستان‌ها و برطرف کردن سایر نیازهای مسلمانان نیز می‌توان از این بودجه مردمی استفاده کرد. همچنین با این بودجه می‌توان باورهای دینی و اعتقادات مسلمانان ضعیف‌الایمان را تقویت نمود و کسانی را که در معرض شبهات و وسوسه‌های دشمنان قرار دارند، یاری کرد.

مسلمانان با عمل به این موارد که با پرداخت زکات فطره انجام می‌شود، در حقیقت به بخشی از دعاهای ماه رمضان که در مدت یک ماه بعد از نماز زمزمه می‌کردند، در روز عید فطر جامه عمل می‌پوشانند. گذشته از اینها پرداخت زکات فطره که با نیت عبادت و تقرب به خداوند متعال انجام می‌شود، نوعی بهره‌گیری از مادیات برای رسیدن به معنویات است.

بدین دلیل گفته‌اند قبول روزه موکول به پرداخت زکات فطره می‌باشد؛ چرا که دادن زکات موجب جدایی از تعلقات مادی و هواهای دنیوی و نفسانی است و انسان مؤمن برای دوام فطرت الهی خویش و بازگشت به عهد فطری «الست» از هر آنچه رنگ تعلق دارد، باید رها و آزاد باشد و زنجیر مادیات را از پای خود برکند تا سبکبال به سوی خداوند گام نهد.

همچنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «تَخَفُّوْا تَلْحَقُوْا»<sup>۱</sup> سبکبال باشید تا به مقصد برسید. رسیدن به وصال حق با گران‌باری و تعلقات بسیار سازگار نیست. خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»<sup>۲</sup> همانا رستگار شد کسی که با پرداخت زکات خود را تزکیه نمود و آن‌که نام پروردگارش را یاد نموده و سپس نماز خواند.

یکی از مصادیق این آیه، عید فطر و زکات فطره می‌باشد. در روایات آمده است که همواره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزهای عید فطر قبل از رفتن به مصلی، فطره را تقسیم می‌کرد و این آیه را می‌خواند.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۱.

۲. اعلی: ۱۴ - ۱۵.

۳. تفسیر المیزان؛ ذیل آیات.

### تعظیم شعائر اسلامی

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»: <sup>۱</sup> هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست. تعظیم شعائر الهی یکی دیگر از ویژگی‌های عید سعید فطر می‌باشد. شعار تکبیر و تهلیل و تحمید و تقدیس از جمله اعمالی است که به روز عید جلوه خاصی می‌بخشد. یک مسلمان باید از راه‌های مختلف ندای حیات‌بخش توحید را به گوش جهانیان برساند که یکی از آن راه‌ها، بیان شعارهای مذهبی است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «زَيِّنُوا أَعْيَادَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ»: <sup>۲</sup> عیدهای خود را با [شعار] تکبیر زینت دهید.

و در حدیث دیگری می‌فرماید:

«زَيِّنُوا الْعِيدَ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّقْدِيسِ»: <sup>۳</sup> عیدهای فطر و قربان را با شعارهای لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله زینت دهید.

پیامبر اکرم ﷺ خود نیز چنین می‌کرد. آن حضرت در روز عید فطر از منزل بیرون می‌آمد و تا رسیدن به مصلا با صدای بلند، شعار «لا اله الا الله» و «الله اکبر» سر می‌داد و حتی در میان خطبه‌ها و قبل و بعد از آن با صدای رسا این کلمات را تکرار می‌نمود. حضرت رضا علیه السلام دربارهٔ دلیل تکبیرهای زیاد در روز عید فطر می‌فرماید: «تکبیر، تعظیم و بزرگداشت خداوند متعال است و نوعی تشکر از هدایت‌ها و نعمت‌های پروردگار جهانیان می‌باشد». <sup>۴</sup>

### حرکت امام رضا علیه السلام برای نماز عید فطر

بعد از جریان ولایت‌عهدی حضرت رضا علیه السلام، عید فرا رسید. مأمون با اصرار زیاد از آن حضرت خواست تا برای اجرای مراسم عید حضور یابد و ضمن اقامه نماز عید، خطبه بخواند. امام رضا علیه السلام به فرستاده مأمون فرمود: شروطی را که میان من و تو در پذیرفتن امر ولایت‌عهدی بود، خودت می‌دانی. [ بنا بر این بود که من از این‌گونه امور معاف باشم ] مأمون پیغام داد: من می‌خواهم با این عمل دل مردم آرامش یابد و فضیلت شما را بشناسند.

۱. حج: ۳۱.

۲. کنز العمال؛ ح ۲۴۰۹۴.

۳. همان؛ ح ۲۴۰۹۵.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱، ص ۱۲۲.

پیغام‌ها از سوی مأمون و امتناع حضرت رضا علیه السلام پیوسته ادامه داشت تا آنکه حضرت رضا علیه السلام در اثر پافشاری خلیفه فرمود: دوست دارم مرا از این امر معاف داری و اگر معاف نمی‌داری، من همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام برای نماز عید بیرون می‌آمدند، خواهم آمد. مأمون گفت: هر طور دوست داری بیرون بیا و مراسم عید را به انجام برسان. آن‌گاه دستور داد سرداران و تمام مردم صبح زود در مقابل منزل مسکونی حضرت رضا علیه السلام اجتماع نمایند. با انتشار این خبر مردم مرو مشتاقانه برای شرکت در مراسم و بهره‌گیری از وجود حضرت رضا علیه السلام خود را آماده کردند. هنگامی که خورشید طلوع کرد، امام علیه السلام غسل نمود و عمامه سفیدی را که از پنبه تهیه شده بود، بر سر گذاشت و یک سر آن را روی سینه و سر دیگر را میان دو شانه انداخت، دامن را به کمر زد و به همه پیروان و دوست‌دارانش دستور داد چنان کنند. آن‌گاه عصای پیکان‌داری به دست گرفت و از منزل بیرون آمد. آن حضرت در حالی که پا برهنه بود و پیراهن و سایر لباس‌هایش را به کمر زده بود، به همراه غلامان و یاران نزدیک خویش - که آنان نیز چنین کرده بودند - به همین شکل از منزل به سوی مصلی حرکت کردند.

موقع خروج از منزل، امام رضا علیه السلام سر به سوی آسمان بلند کرد و چهار تکبیر گفت. این تکبیرها آن‌چنان با صلابت و روحانیت خاصی ادا می‌شد که گویی آسمان و در و دیوار با نوای حضرتش هم آواز هستند. سرداران و نظامیان و سایر مردم که با آمادگی و آراستگی تمام در بیرون منزل صف کشیده بودند، هنگامی که امام رضا علیه السلام و یارانش را به آن صورت مشاهده کردند، به پیروی از امام رضا علیه السلام و هماهنگ با او فریاد تکبیر سردادند.

شهر مرو یکپارچه فریاد تکبیر سر داد و به دنبال آن از گریه و ناله هزاران زن و مرد مشتاق اهل بیت علیهم السلام به لرزه در آمد. سرداران هنگامی که حضرت را با آن حال دیدند، از مرکب‌های خود پیاده شدند و کفش‌های خود را در آورده و کنار گذاشتند و به دنبال امام علیه السلام به راه افتادند. حضرت رضا علیه السلام پیاده راه می‌رفت و هر ده قدم یک بار می‌ایستاد و سه تکبیر می‌گفت.

یاسر خادم می‌گوید: در این حال ما خیال می‌کردیم که آسمان و زمین و کوه با او هم آواز گشته است، شهر مرو یکپارچه گریه و شیون بود. فضل بن سهل ذوالریاستین با مشاهده این اوضاع به مأمون گفت: اگر [امام] رضا علیه السلام با این وضع به مصلی برسد،

مردم مجذوب او خواهند شد [و ممکن است با یک اشاره طومار حکومت را در هم پیچند]، به نظر من بهتر است از او بخواهی تا برگردد.  
مأمون هم فوراً کسی را فرستاد و از حضرت رضا علیه السلام در خواست نمود تا از میانه راه برگردد. امام رضا علیه السلام هم کفش‌های خود را طلبید و سوار مرکب شده، به منزل مراجعت کرد.<sup>۱</sup>

اللهم تقبل منّا هذا القليل  
«الحمد لله رب العالمين»

---

۱. اصول کافی؛ مولد ابی الحسن الرضا علیه السلام؛ حدیث ۷.